

خبر

چگونه از خطرات دوچرخهسواری در شهر در امان بمانیم؟

سپهرغرب، گروه شهر: دوچرخهسواری یکی از کارهایی است که علاوهبر اینکه یک تفریح محسوب می‌شود، می‌تواند به‌عنوان یک شیوه رفت‌وآمد قابل اعتماد نیز درنظر گرفته شود. ما دوست داریم این اتفاق بیشتر و بیشتر در کشورمان ببینیم؛ بنابراین هرچه در این مورد لازم باشد بدانید، برایتان گردآوری می‌کنیم.

یک قانون عمومی وجود دارد که مدت‌زمان رسیدن به یک مقصد با دوچرخه، یک‌سوم زمان لازم برای پیاده‌روی است. اما باید یادتان باشد که اگر نکات ایمنی را در آن رعایت نکنید، ممکن است آسیب ببینید؛ به‌خصوص در خیابان‌های شلوغ، برایتان چند نکته آماده کرده‌ایم که می‌توانید به آن‌ها توجه کنید تا هنگام دوچرخهسواری در خیابان آسیب نبینید. ۱- یک دوچرخه سالم و ایمن داشته باشید؛ دوچرخه باید زینی داشته باشد که شما زیاد به جلو نلغزد و فشار به فرمان دوچرخه وارد نشود. یادتان باشد قبل از اینکه وارد خیابان‌های شلوغ شوید، ترمزتان را چند بار تست کنید. کلاه ایمنی هم نباید فراموش کنید، کلاهتان را به‌درستی ببندید. ۲- می‌توانید قفلات و برجسب‌های منعکس‌کننده نور برای دوچرخه خود بگیرید تا در شب و هوای مه‌آلود قابل رؤیت شوید. فکر خوبی است که برای دوچرخه یک رنگ نصب کنید و البته یک بطری آب همیشه همراه داشته باشید؛ دوچرخه‌سواری به‌خصوص در فصل گرما حسابی آب بدنتان را می‌گیرد. ۳- سعی کنید مسیرهای ناشناخته را یکبار قبل از دوچرخه‌سواری طی کنید تا جای چاله‌ها و نقاط برآمدگی خیابان را تقریباً بدانید و هنگام دوچرخهسواری مراقبتان باشد. ۴- سعی کنید از بین ماشین‌ها عبور نکنید و همیشه در سمت راست خیابان قرار بگیرید. ۵- اگر جایی در میان راه توقف می‌کنید، حتماً قفل برای بستن دوچرخه همراه داشته باشید. ۶- هنگام تغییر مسیر و پیچیدن به چپ و راست، مراقب باشید و سرتان را کامل برگردانید تا ماشینی پشتتان نباشد. یادتان باشد طول می‌کشد تا فرهنگ دوچرخه‌سواری به‌طور کامل جا بیفتد، پس اگر ماشین‌ها به شما راه ندادند و مراعات نکردند، ناراحت نشوید و به راهتان ادامه دهید و امیدوار باشید. ۷- در آخر گشت بزیند، لذت ببرید و بدانید که بهترین راه برای گردش در شهر، دوچرخه است!

شهرها و بهینه‌سازی مصرف انرژی

سپهرغرب، گروه شهر: **محسن طباطبایی‌مزدآبادی، دبیر انجمن علمی اقتصاد شهری ایران** با انتشار یادداشتی به **چالش‌های زیست‌محیطی و رشد اقتصادی در سایه بهینه‌سازی مصرف انرژی** پرداخت.

در این یادداشت می‌خوانیم که شهرها مکان زندگی نیمی از جمعیت جهان، کانون چالش‌های زیست‌محیطی و البته محل تبلور رشد و توسعه اقتصادی هستند. شواهد نشان می‌دهد رشد جمعیت شهری جهان همچنان با شتاب ادامه خواهد داشت و پهنه‌های ساخته‌شده شهری به‌احاط اندازه طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۳۰، سه برابر خواهد شد. این امر به فشار بر زیرساخت‌های موجود شهری و افزایش تقاضا برای زیرساخت‌هایی مانند راه، انرژی، آب، فناوری ارتباطات و الکتریسیته منج خواهد شد.

شهرها موتورهای پشیران اقتصادی هستند که بیش از ۷۰ درصد GDP جهانی را تولید می‌کنند. به‌عنوان مثال در ایالات متحده ۱۰۰ شهر بزرگ بیش از ۷۵ درصد تولید ناخالصی داخلی این کشور را به خود اختصاص می‌دهند. شهرها همچنین مصرف‌کنندگان اصلی انرژی در جهان هستند و هم‌زمان با رشد جمعیت و رشد اقتصادی، رشد مصرف انرژی را نیز شاهد هستند.

در مقیاس جهانی، شهرها با توجه به زیرساخت‌های جدید نیاز میرم دارند و خدمات و مدل‌های تجاری جدیدی می‌طلبند. برای پاسخگویی به کمبودها در زمینه حمل‌ونقل، ارتباطات راه دور، انرژی، آب و فاضلاب، طبق پیش‌بینی‌ها تا سال ۲۰۳۰ شهرها به ۷۱ تریلیون دلار یعنی چیزی حدود ۲۵ برابر GDP کنونی جهان سرمایه‌گذاری نیاز دارند که سهم زیادی از این سرمایه‌گذاری مربوط به حوزه انرژی و حمل‌ونقل است.

یکی از مهم‌ترین اهداف کشورها در راستای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی ارتقای بهره‌وری است. بهره‌وری به معنای استفاده مؤثر و کارآمد از منابع در فرایند تولید بوده، یکی از حوزه‌هایی که در محوریت بحث بهره‌وری در شهرها قرار دارد، انرژی است.

صرفه‌جویی در انرژی می‌تواند کشورها را برای حفاظت از انسان و محیط‌زیست انعطاف‌پذیر کند. سرمایه‌گذاری در بهره‌وری انرژی، افزایش پس‌انداز، تقویت اقتصاد خانوار و تسریع سرمایه‌گذاری محلی در زمینه تجارت و اشتغال را به همراه دارد.

طرح‌های بهره‌وری انرژی باید به مزایای قابل مشاهده و ملموس برای شهروندان منجر شود و به‌طور مستقیم به بهبود وضع زندگی آن‌ها بینجامد. بسیاری از دستاوردهای ارتقای بهره‌وری انرژی مقرون‌به‌صرفه و زودبازده است. به‌عنوان مثال در زمینه روشنایی، هزینه تولید لامپ‌های LED هرساله ۱۰ درصد کاهش پیدا می‌کند و می‌تواند مصرف انرژی در خیابان‌ها را تا ۵۵ درصد کاهش دهد و طی یک دوره ۱۰ ساله کاهش ۴۰ درصد انرژی برق مصرفی و ۷۰ درصد انتشار گازهای گلخانه‌ای را سبب شود. هم‌اکنون مقررات و استانداردهای ساختمان‌سازی همانند بهبود دیوار، عایق کردن در و پنجره به یک هنجار تبدیل شده است و فناوری‌هایی با بهره‌وری بالا در صنعت ساختمان به‌خوبی استفاده می‌شود.

یکی از روش‌های افزایش بهره‌وری در شهرها بدون تردید استفاده از حمل‌ونقل عمومی است. تشویق مردم برای استفاده کمتر از خودروی شخصی کاهش مصرف انرژی، آلودگی صوتی و بصری، ترافیک و مرگ‌ومیر و تلفات ناشی از تصادف را به دنبال دارد که خود می‌تواند پتانسیل عظیمی برای توسعه اقتصادی در شهرها باشد. یکی از نمونه‌های موفق و پیوسته در این زمینه شهر کوریتیا در برزیل است که در دهه ۱۹۷۰ برای توسعه حمل‌ونقل عمومی و ایجاد سامانه اتوبوس‌های تندرو از بانک جهانی اقدام به گرفتن وام کرده و سیستم حمل‌ونقل شهری خود را که در نوع خود بی‌نظیر است، پایه‌گذاری می‌کند که بعدها الهام‌بخش بسیاری از کلان‌شهرهای جهان می‌شود.



اینکه در وضعیت اقتصادی و اجتماعی مطلوبی قرار ندارند، خیلی راحت به جرائم و انحرافات اجتماعی روی می‌آورند تا از این طریق بتوانند زندگی خود را بگذرانند. به همین دلیل در مناطقی از شهر که بی‌خانمان‌ها حضور داشته باشند نه‌فقط باعث نگرانی ساکنان می‌شوند، بلکه می‌توانند موجب بسترسازی برای آسیب‌پذیری منطقه و محله‌ای نیز باشند.

برخی شهروندان بر این عقیده‌اند که با وجود ضرورت داشتن کمک به این افراد، اما لاجرم چون ناامنی و میزان وقوع جرائم به‌طور ایشان در محله بیشتر حس می‌شود، بنابراین یا باید ایشان را جابه‌جا کرد و یا ترتیبی داد که حداقل در این مدت سکونت موجهایی برای ترک اعتیاد، درمان بیماری‌های خاص، ترک برخی عادات زشت و رفتار ناهنجار و به‌خصوص نفاق‌فردی و حفظ ظاهر و لباس‌هایشان فراهم شود که حداقل قبول کنیم این هزینه‌کردها و نیز تلاش‌ها و یا توجه‌ها بی‌نتیجه و سرانجام نبوده؛ زیرا صرف تهیه مکان استراحت، غذا و حتی پوشاک نه‌فقط تغییر در رفتار آن‌ها نمی‌دهد، بلکه ایشان را به ادامه این روند تشویق کرده و حتی باعث می‌شود تا کسان دیگری هم که مستعد تن‌پروزی، ولگردی و غیره هستند نیز به جمع ایشان اضافه شوند. در این باب اخباری نیز وجود دارد که تأیید می‌کند ۸۰ درصد افراد مذکور با تمرکز در یک نقطه (گرم‌خانه) صرفاً به‌دلیل بیکاری و فقدان برنامه کاربردی و نظارت همه‌جانبه حتی در شیوه مصرف مواد مخدر هم از یکدیگر تأثیر پذیرفته و یا به نوعی مفاهمه و اشتراک نظر و رفتار غیر قانونی و ارزشی و حتی اخلاقی دست یافته‌اند.

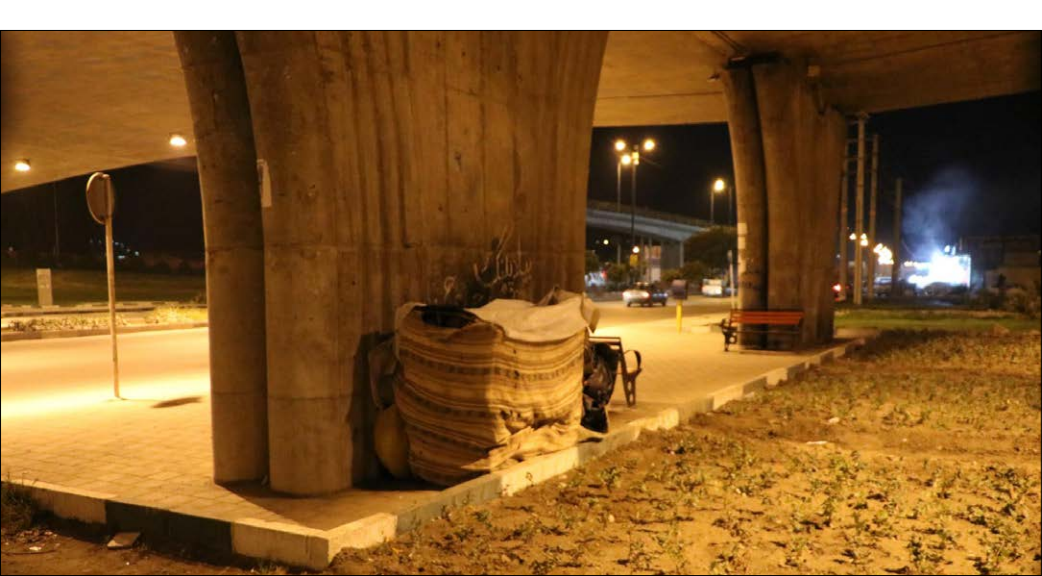
هزینه‌کرد فقط برای افراد مستحق

اما فارغ از اینکه کمک به افراد نیازمند و محتاج انرژی ضروری و توصیه‌شده توسط دین و اخلاق است و برحسب اتفاق ما مردم ایران بنا بر آموزه‌های اخلاقی، دینی و انسانی خود را موظف می‌دانیم که به هر شکل و اندازه به حل مشکلات افراد زمین‌افزاده اقدام کنیم، گرم‌خانه‌ای با هزینه‌های چند ده میلیون برای چند ده نفر اگر فاقد یک خروجی و پیامد مثبت برای جامعه و متعاقباً پناهجویان باشد، چه فایده‌ای داشته و اساساً چه نیازی به ساخت و تجهیز آن و یا اصرار به تأمین اعتبار و هزینه آن‌ها داریم؟

البته پیش‌تر نیز طی سلسله‌گزارش‌ها و نوشتارها عنوان کرده‌ایم که نه‌فقط نویسنده، بلکه همه مشهریان فهیم، عاقل و نوع‌دوست عمیقاً بر این باورند که کمک به افراد نیازمند، گرفتار، بیچار، دردمند، ناهنجار، زندانی و غیره یک وظیفه اخلاقی و عمومی است؛ مشروط بر آنکه فرد کمک‌گیرنده نیز خود اراده‌ای برای بازگشت و اصلاح داشته باشد و در عین حال خروجی هزینه‌کردها نیز برای جامعه، مالیات‌دهندگان و حتی خیرین توجیه‌پذیر و منطقی باشد. آنچه امروزه درخصوص حال و روز این افراد مشاهده می‌شود، شاید آن‌چنان که بایدواید امیدبخش نیست که بخواهیم و بخواهند تا با توسعه امکانات، خدمات محیطی مناسب‌تر از آنچه هست را برای ایشان فراهم کنند.

درواقع گرم‌خانه سالم، تمیز و مدرن همراه با خدمات حداکثری و یا حضور مشاوران، کارشناسان و غیره، حق کسانی است که می‌خواهند در کمال صداقت و درستی و با استفاده موقت و محدود از فرصتی که جامعه و مالیات‌دهندگان در اختیار آنان می‌گذارند، برای بازگشت به زندگی تلاش کنند و با اصلاح، خود و جامعه را از فرو غلغلتید در منجلاب نجات دهند و نه کسانی که از سر جسارت و هتاکي، به آن به‌عنوان یک غنیمت و فرصت رایگان برای ادامه زندگی انگلی و کج‌رویی‌ها و ولنگاری‌ها نگاه می‌کنند.

کارتن خوابی؛ تالی آسیب‌های بی‌شمار



به هر حال جدا از مقلوه صدق و کذب این ادعا از سوسی مولیان (که ما نیز علاقه‌ای به کنکاش آن نداریم)، موضوع مهم‌تر بحث فرایند و کمیت و کیفیت ایجاد انگیزه و هدایت و بازگشت به مسیر زندگی سالم و شرافتمندانه اینن افراد در بطن جامعه و خانواده است که نه‌فقط تاکنون شاهد نتیجه و برآیند خاصی در آن نبوده‌ایم، بلکه حتی ظاهراً اراده و اجباری نیز درخصوص اینن موضوع در دستور کار کارتن‌خواب‌ها و مولیان گرم‌خانه نبوده است.

به گفته مسئولان و نیز برخی مشاهدات میدانی، تقریباً از ۷۰ تا ۸۰ نفر مراجعان به این مرکز در طی سه تا چهار سال گذشته، نه‌فقط حتی افرادی به اندازه انگشتان یک دست به روال معمول و منطقی زندگی خود بازنگشته‌اند، بلکه در بسیاری از آنان که عموماً نیز مبتلا به سوء مصرف مواد مخدر و یا اشتغال به خرده‌فروش مواد مخدر بوده‌اند نیز هیچ نشتاگنایی دال بر ترک فروش و اعتیاد و یا حتی تلاش برای این کار دیده نشده‌است (البته به گفته برخی مطلعین اگر کاهش و افزایشی هم بوده، بیشتر به‌خاطر ورود افراد جدید به این حلقه و رفتنن افراد روبرو شده و شهرهای دیگر است و نه الزاماً کسب سلامت و بازگشت به زندگی و خانه).

تأسف‌بارتر اینکه حتی با وجود در اختیار داشتن حمام، شستند لباس و غیره و نیز هیچ روند محسوسی در ظاهر و نوع پوشش آن‌ها به‌وجود نیامده که حداقل بتوان به آن دل‌خوش بوده و یا برای این هزینه‌کردهای چند ده میلیونی اعلام‌شده توجیهی هرچند نیم‌بند را به‌دست آورد.

برخی کارشناسان معتقدند برخی تصور عمومی، بی‌خانمانی لایزال زیسادی دارد و همیشه نیز ناشی از فقر نیست؛ حتی افراد سالم و متمول نیز به هر دلیل ممکن است از خانه و کاشانه خود فاصله گرفته و به جرگه کارتن‌خواب‌ها بپیوندند، آن‌ها با این کار خود نه‌فقط روی برنامه‌های راه‌ اجتماعی تأثیرگذار بوده و توانایی خانواده‌های خود را به‌منظور دسترسی به درآمد، تأمین نیازهای زیستی و مسکن تحت تأثیر قرار می‌دهند، بلکه موجب ایجاد و تداوم بی‌خانمانی در خود و دیگران نیز می‌شوند. بنابراین مشاهده این وضعیت قطعاً مؤید آن است که متأسفانه تلاش‌ها و روش‌های موجود در کنترل و کاهش و حتی مواجهه منطقی با معضل کارتن‌خوابی مؤثر و کافی نبوده و ناگزیر باید ضمن بررسی ریشه‌ای این موضوع، به راهکارهای جدیدی برای برون‌رفت از اشتباهات گذشته و ورود به عرصه نوینی از درمان و هدایت پرداخت.

در این خصوص برخی از همشهریان معتقدند بی‌خانمان‌ها و کارتن‌خواب‌ها به‌دلیل

است درصورت سامان‌دهی، اینن افراد در خارج از شهرها اسکان داده شوند تا موجب خدشه‌دار شدن روحیه و آذهان عمومی نباشند. از منظر این منتقدان طبیعی است که وجود گرم‌خانه‌ها در محدوده‌های شهری، عاملی برای ایجاد ناامنی روانی و ذهنی شهروندان و مولد حاشیه‌های شهری باشد؛ چه اینکه طرز برخورد مردم با گرم‌خانه‌ها مؤید این ادعا است.

از منظر اینن منتقدان جمع شدن کارتن‌خواب‌ها در کنار یکدیگر (حال چه در گرم‌خانه و چه در فضاهای دیگر) از یک‌سو موجب اشاعه فحشا، فساد و جرم می‌شود و از سوسی دیگر به ناامنی‌ها دامن می‌زند؛ پس بهتر است که با این‌دسته از پاتوق‌ها به‌طور قهرآمیزی برخورد کرد تا از تشکیل حريم امن برای این مجرمان بالقوه جلوگیری شود.

موضوع این است که خیلی از جوامع شاید سوء پیشینه‌گیری را در اسناد پاک کنند، اما از حافظه خود محو نخواهند کرد؛ گو اینکه کارتن خوابی و سبک زندگی مختص آن چون از دید جامعه وجه خوبی ندارد، افراد مبتلا به آن حتی پس از ترک این سبک از زندگی، باز در جامعه با واکنش اجتناب‌گر روبرو شده و جزء مصداق این امر محسوب می‌شوند.

البته این نیز بدان علت است که از دید عمومی جامعه کارتن‌خواب‌ها انظر روانی

دارای ثبات نیستند، بنابراین به احتمال زیاد دوباره به سوسی خلاف رفته و همان سبک زندگی سابق خود را برمی‌گزینند. از این افراد هر عملی جهت ارتزاق و تأمین هزینه مواد مخدر را می‌شود انتظار داشت؛ مسلماً بین آنان زنانشی نیز حضور دارند که این خود باعث افزایش تن‌فروشی و جرائمی همچون تجاوز می‌شود، کارتن‌خواب‌ها اعتیاد به انواع

مواد مخدر و مشروبات الکلی دارند، اقدام به سرقت، شبادی و تکی‌گری در ایشان به‌وفور دیده می‌شود که طبعاً خوشایند جامعه نیست.

دست‌کاشته‌ها و دستاوردها

حالا چند سالی است که در شهر همدان هم گرم‌خانه‌ای برای کارتن‌خواب‌ها دایر شده و در فصول بارندگی و سرما میزان جمعی از این افراد است؛ گو اینکه (برعکس امسال که این مکان با انتقال به طبقه دوم ساختمانی مجهز به تعدادی تخت، اتاق و تلویزیون شده) تا همین پارسال تمام ظرفیت و داشته‌های این مرکز به یک اتاق ۲۴ متری، چند پتو و یک بخاری ختم می‌شد. اما جالب این است که از همان وقت برخی مسئولان خبر از هزینه‌کردهای چند ده میلیونی برای این افراد در قالب تهیه غذا، البسه و نگهداری به میان آورند که نه با بیرون‌داد آن منطق بود و نه اصلاًحاً با دودوتاچهارتای هر عقل سلیمی جفت‌وجور می‌شد.

معتقدند که هنوز در مرحله آزمون‌وخطا قرار داریم و نتوانسته‌ایم که به بسیاری اهداف از پیش تعریف‌شده این طرح دست یابیم. درواقع این تصور وجود دارد که عدم مدیریت صحیح مسئولان و فقدان یک نظام‌نامه اجرایی مشخص و لازم‌الاجرا در دهه‌های گذشته، باعث شده تا آسیب‌های اجتماعی به‌صورت مستمر درحال رشد باشند؛ موضوع این است که دولت‌های مختلف معمولاً از حوزه رف آسیب‌های اجتماعی (و به‌صورت اخص کارتن‌خوابی) سازمان‌ها و نهادهای مختلفی را دخیل می‌کنند که همین موضوع باعث می‌شود تا در این حوزه موازی‌کاری‌های متعددی شکل گیرد و این درحالی است که اساساً و منطقاً آسیب‌های اجتماعی در کشور باید یک متولی واحد و مشخص داشته باشند. البته زمانی که بتوانیم بعد گذر از مرحله آزمایش و خطا به نقشه علمی و درستی

منطبق با مقتضیات و فرهنگ کشورمان برسیم، می‌توانیم از فعالیت‌های کشورهای مختلف در این حوزه الگوبرداری کنیم؛ با این حال موضوعی که نباید از آن غافل شد، این است که هنوز و بعد گذشت سال‌ها از راه‌اندازی گرم‌خانه‌ها و اقدام برای سامان‌دهی این افراد، هنوز هیچ رویکرد و موضع مشخص و قطعی در این باب تعریف و تبیین نشده و وجود ندارد. بدین معنا که هنوز تکلیف

این مشخص و روشن نیست. از مقابل آن‌دسته از مردم و مسئولان با این استدلال که پدیده کارتن‌خوابی به‌طور کلی یک معضل همیشگی نبوده و بلکه می‌توان با انجام درمان‌های مناسب این نیروی کار را مجدد به جامعه بازگرداند و معتقدند که باید با تهیه امکانات و سرپناه برای این افراد سعی کرد تا ضمن جمع‌آوری و سامان‌دهی ایشان، به‌نوعی نیز از تبعات روانی و تبلیغاتی ناخوشایند و منفی رهاشدگی آن‌ها (همچون چند مورد یخ‌زدگی که منجر به مرگ شد و با داستان گورخوابی و غیره) جلوگیری کرد.

در مقابل این نظریه هم هستند کسانی که سرسختی تمام بر آن باورند که متأسفانه این طرز برخورد مردم و برخی نهادهای مدنی و دولتی، به‌نوعی باعث ترویج کارتن‌خوابی می‌شود؛ این‌دست از مردم و نهادهای صرفاً از روی دلسوزی فقط به فکر جمع‌آوری کارتن‌خواب‌ها و اسکان آنان هستند و با این شیوه ناخواسته باعث تشویق ایشان و حتی کسان دیگر به ورود و ادامه این زندگی انگلی می‌شوند.

در عین حال وجود گرم‌خانه‌ها و یا پاتوق کارتن‌خواب‌ها باعث القای حس ناامیدی و وحشت به کلیت جامعه بوده، بنابراین بهتر

سپهرغرب، گروه شهر - عباس سریشی: بسیاری از صاحب‌نظران و کارشناسان معتقدند که درخصوص درمان معضل کارتن‌خوابی هنوز ما در مرحله آزمون‌وخطا قرار داریم و نتوانسته‌ایم به بسیاری اهداف از پیش تعریف‌شده این طرح دست یابیم.

پیش‌تر در مجموعه گزارش‌های تهیه‌شده درخصوص مباحث و موضوعات شهری نیز عنوان شد که در فهرست بلندبالای معضلات و آسیب‌های اجتماعی، بی‌خانمانی از آن‌دست واژه‌هایی است که برای هیچ‌یک از ما بیگانه نبوده و تقریباً به‌صورت روزمره در خیابان‌های شهر با مصادیق آن مواجه هستیم. مردان و زنانی که به هر علت شب و خود را در خیابان‌ها و کوچه‌پس‌کوچه‌ها می‌گذرانند و شب‌هنگام نیز با پناه بردن به هر بی‌غوله و مکان مسقفی اعم از زیر پل‌ها، پارک‌ها، خرابه‌ها، ساختمان‌های متروکه و غیره شب را به صبح رسانده و فردا روز نیز مجدداً برای انجام فعالیت‌هایی مثل تکی‌گری، ضایعات‌جمع‌کنی، خرده‌فروشی مواد مخدر و روسپی‌گری باز راهی کوچه و خیابان می‌شوند.

البته عمده کارشناسان معتقدند که پدیده کارتن‌خوابی در اصل یک نمایه اجتماعی متأثر از معضلات اقتصادی و یک مسئله شهری است که تالی فاسد آن در حوزه‌های دیگر مانند بهداشت، امنیت عمومی، فرهنگ و غیره نمود پیدا می‌کند؛ درحقیقت آنچه تحت عنوان پدیده کارتن‌خوابی در جوامع پدید آمده، مولود معضل شایع‌تری با عنوان ولگردی و یا همان بی‌خانمانی است.

از منظر برخی صاحب‌نظران وضعیت کارتن‌خواب‌ها را حتی می‌توان بسیار خطرناک‌تر از دیگر آسیب‌یادگان اجتماعی یافت، زیرا کارتن‌خواب‌ها علاوهبر اینکه شرایط قابل قبول اجتماعی اقتصادی ندارند، اغلب حتی از مظهران جامعه همچون معنادان مبتلا به بیماری‌های عفونی ایدز و هیپاتیت نیز بدتر هستند و به‌صورت فعال تر و آگاهانه‌تری مرتکب جرائم کوچک و بزرگ می‌شوند.

البته شاید برخی از آن‌ها با اشتغال به فعالیت‌های معقول‌تر مانند جمع‌آوری ضایعات، پاک کردن شیشه اتومبیل‌ها، دست‌فروشی و غیره پولی درمی‌آورند، اما درنهایت اینکه مبتلایان به این پدیده به چه کاری مشغول‌اند، به‌خودی خود باعث تعدیل و تخفیف اثرات سوء این معضل نخواهد شد؛ زیرا نفس عمل کارتن‌خوابی دارای تأثیرات

سوء بر امنیت روانی جامعه است. این منظر آسیب‌شناسان اجتماعی از آنجا که نفس کارتن‌خوابی در منظر عمومی جامعه می‌تواند موجب بروز تصورات و تبلیغات نادرستی مانند خود اقصاء بیمار و یا سوء مدیریت در کشور شود، بنابراین نه‌فقط افزایش کمی و کیفی این معضل باعث القای ناامیدی در مردم خواهد شد، بلکه چون کارتن‌خوابی همچون هر معضل اجتماعی دیگری تالی فاسد خواهد داشت؛ بنابراین چه مستقیم و چه غیر مستقیم قطعاً موجب بروز مشکلات و آسیب‌های اجتماعی دیگری مانند تقلبنن حس بدبینی و ناامیدی به جامعه، ایجاد فضای مشخص برای ارتکاب جرائم مختلف، اشاعه فحشا و اعتیاد، افزایش ناامنی اجتماعی، ترویج تکی‌گری، کاهش نیروی کار و مفید جامعه و غیره نیز خواهد شد که در کوتاه‌مدت اثرات ناخوشایندی را بر جامعه بار خواهد کرد.

سردرگمی‌های نتیجه آزمایش و خطا

شاید حدود ۱۴ سال پیش بود که نخستین اقدامات برای جمع‌آوری و نگهداری از کارتن‌خواب‌ها (به‌صورت خاص در فصل زمستان و سرما) در کشور ما انجام شد؛ اما با وجود گذشت سال‌ها و متعاقباً صرف هزینه‌های گزاف و نیز سازمان‌سازی و غیره، بسیاری از صاحب‌نظران و کارشناسان

